

## کدام یک؛ طب اسلامی یا مدرن؟!

مروری بر مبانی فلسفی طب اسلامی و تفاوت های آن با طب مدرن و سایر مکاتب طب سنتی

وقتی صحبت از سلامت، پیشگیری و درمان انسان است؛ این مساله مهم می شود که «انسان» کیست؟ عناصر اصلی تشکیل دهنده ی آن چیست؟ ابعاد وجودی آن کدام است؟ از کجا و چگونه آمده است؟ چگونه زیستن او صحیح است؟ ارتباط او با خود و دیگر موجودات چگونه است؟ و ده ها سوال مهمی که مکاتب گوناگون فکری و تمدن ساز، بنا به شناخت خود از عالم وجود، سعی نموده اند بدان پاسخ دهند.

دقیقا بر اساس همین «تعریف از آدمی و آدمیت» در مکاتب گوناگون؛ دانش های گوناگون پزشکی ظهور و بروز پیدا کرده است. مانند: طب چینی در تمدن چین، طب یونانی در تمدن یونان، طب هندی در تمدن هند و طب جدید در تمدن غرب.

با توجه به برخی شباهت ها، در تمام طب های ذکر شده تفاوت های ذاتی در درک عناصر اصلی خلقت، ابعاد وجودی، طبع و مزاج، تشخیص و درمان وجود دارد. وقتی مبانی ما در انسان شناسی تفاوت های فاحشی دارد، چگونه یک تمدن ماورا گرا (غیب گرا) می تواند درمان آحاد مردم خود را به دست یک طب زاییده شده از مکتبی ماتریالیستی (ماده گرا) بسپارد که در ذات خود اعتقادی به روح نداشته و صد البته تاثیر غذا یا دارو بر روح و نفس را منکر می شود.

یا چگونه می شود با شناخت و مبانی فلسفی در عصر حاضر، تن به درمان با طبیبی را داد که مبناى فلسفی آن، مسطح بودن زمین و حتی مرکز دنیا بودن آن را تایید می کند. شاید تنها راه نجات ما در این است که تکلیف خودمان را با اعتقادات خود روشن کنیم.

با مراجعه به منابع و کتب اسلامی به مجموعه ای از آیات قرآنی، احادیث و روایات در زمینه پیشگیری، اصلاح تغذیه و درمان بیماری ها برخورد می کنیم که امروزه از آن به عنوان طب اسلامی یاد می شود. این طب، با طب های دیگر تفاوت دارد. تفاوت کلی و اساسی نیز دارد و این تفاوت مانند تفاوت خود اسلام با دیگر مکاتب است. زیرا مبانی فلسفی این ها کاملا از یکدیگر متفاوت هستند.

تفاوت طب اسلامی با طب هندی و چینی مانند تفاوت اسلام با بودائیت است و تفاوت آن با طب شیمیایی جدید، مانند تفاوت اسلام با مکاتب امروزی مثل لیبرالیسم و سوسیالیسم است. آن چه بر آن تاکید دارم، این است که طب اسلامی، طبی مستقل است.

طب اسلامی، ارتباط و نیاز چندانی به طب های دیگر ندارد. ولی معنایش این نیست که اسلام، طب های دیگر را رد کند، بلکه طب اسلامی را برتر می داند. شخص اختیار دارد که طب اسلامی، یا طب مسیحیت را انتخاب کند. و طب یونانی همان جایگاه طب مسیحیت را دارد.

### مقایسه طب الهی با طب مدرن

طب الهی به سابقه طول تاریخ بشری بوده و طب مدرن محروم از این سابقه است. طب الهی شفا را از خدا می داند و نظام احسن هستی را قبول دارد. این درحالی است که طب الحادی شفا را مستقلاً از دارو می داند و از طرف دیگر حادثه و اتفاق و شانس را در نظام هستی می پذیرد.

طب الهی عالم را بر خواست خدای حکیم، با حکمت می داند. طب الحادی نظام عالم را بی شعور می پندارد.

طب الهی بر پایه عناصر اربعه سازنده انسان یعنی خاک، آب، هوا و آتش استوار است اما طب مدرن چنین باوری ندارد.

طب الهی بر اصل کلی نگری در درمان و تغذیه و اصولی قطعی استوار است، ولی طب مدرن بر اصل جزئی نگری استوار بوده و آزمون خطا را نیز اصل می داند.

طب مدرن بدون توجه به طبایع انسان عمل کرده و درمان محور است، اما طب الهی توجه به تنظیم اخلاط اربعه طبایع داشته و بهداشت محور و پیشگیری محور است.

طب الهی اکثراً بر تخلیه (حجامت، قی، فصد، استنشاق، روزه و...) استوار است، طب مدرن بر اضافه کردن داروها تاکید دارد.

طب الهی عامل اکثر بیماریها را در ضعف قدرت دفاعی بدن می داند؛ طب مدرن عامل اصلی را مهاجم ها و عفونتها می داند.

طب الهی تکیه بر گیاهان داروئی با کمترین تغییر دارد و همچنین از حلال و پاک شفا می جوید، و این درحالی است که طب مدرن بر داروهای شیمیایی دستکاری شده تکیه داشته و بر شفا از حرام و نجس پایه گذاری شده است.

و در یک کلام می توان گفت که طب مدرن برگرفته از تجارب بشری بوده و خالی از اشتباه و خطا نیست و از طرفی هم طب الهی یا اسلامی به کلی برگرفته از متن صریح قرآن، احادیث و روایات می باشد که به مراتب امکان خطا و اشتباه در آن وجود ندارد.

## مبارزه با حیوان انگاری های شیطانی مدرنسیم

بزرگان حوزه و دانشگاه درباره اهمیت طب اسلامی سخنان مختلفی را بیان نموده اند. آیت الله جوادی آملی در دیدار با رئیس دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) و مدیران روابط عمومی منطقه ۳ دانشگاه‌های کشور در اسفند ماه ۱۳۸۹ این چنین بر جایگاه ارزشمند طب اسلامی تاکید کردند:

"منحصر کردن مباحث طب اسلامی در تغذیه و روش های درمانی به هیچ عنوان به نفع جریان طب اسلامی نیست. در واقع طب اسلامی یک تابلو است که راه رسیدن به تمدن اسلامی را نشان میدهد و مبلّغی است که از معارف و مفاهیم ناب اسلامی تبلیغ می کند.

طب اسلامی فقط نیامده است که بگوید برای درمان فلان بیماری انجیر بخورید! آمده است بگوید راه حقیقی رشد و کمال بشر در هر زمینه ای بازگشت به آموزه های الهی است و برای رسیدن به علومی که نافع حقیقی بشر است راهی جز دین وجود ندارد.

طب اسلامی می خواهد بگوید که برای شناخت انسان که موضوع علم طب است، هیچ راهی جز سؤال از خدایی که خالق انسان است وجود ندارد و راه های دیگر بیراهه هایی هستند که دشمنان حقیقت و ائمه ضلالت برای انحراف انسان از صراط مستقیم ساخته و پرداخته اند. طب اسلامی عرصه ی مبارزه ایست برای احیاء هویت گمشده ی انسانی در پس حیوان انگاری های شیطانی مدرنسیم".

### کدام یک؛ طب اسلامی یا مدرن؟!

باید توجه داشت که هدف از این نوشته، بیان تفاوت های مبنایی و فلسفی طب اسلامی و طب مدرن بود و این به معنای تخریب طب مدرن نیست. دستاوردهای علمی طب مدرن غیر قابل انکار است و چه بسا در زمینه هایی کارآمدی های مختص خود را دارد. این دو کاملاً مجزا از هم بوده و اثبات یکی از آن ها به معنای رد دیگری نیست؛ گرچه طرفداران هر یک، انتقادات بسیاری به دیگری مطرح می کنند. در شرایط کنونی طب اسلامی و طب مدرن می توانند مکمل یکدیگر به شمار آیند. هم افزایی متخصصان این دو مکتب طبی، قطعاً دستاوردهای مفیدی برای ارتقا سطح پزشکی کشور در پی خواهد داشت.

پیمان بیگدلی